

مقدمه شماره نود و هفت:

اهمیت احاطه به مسأله و پیرامسأله در پژوهش‌های تطبیقی فارسی و عربی

دکتر احسان قبول*

با مطالعه‌ی نخستین شماره‌های مقالات مجله‌ی الدراسات الأدبیه در حدود ٥٩ سال گذشته شاهد مقالاتی از بزرگانی هم‌چون بدیع‌الزمان فروزان‌فر، جلال‌الدین همایی، فواد البستانی، ابراهیم پورداوود، محمد معین، علی‌اصغر حکمت، محمد محمدی ملایری و جلال‌الدین همایی هستیم. مقالات ایشان با نگرشی کلان و یا جزئی روابط زبانی و ادبی ایران و عرب را تحلیل و مقایسه می‌کند و با مطالعه هر یک از این مقالات به نگاه و نکته‌ای نو پی می‌بریم. مسأله قابل توجه در این مقالات این است که نویسندگان آن اصراری ندارند مسأله‌ی تحقیق‌شان را در چهارچوب روش‌شناسی نظریه‌های ادبیات تطبیقی جای دهند. بلکه خود چهارچوبی منظم و منطقی را برای مسأله‌شان تعریف می‌کنند و بر اساس آن چهارچوب تحقیق خود را پیش می‌برند. این که نویسندگان این مقالات با نظریه‌های ادبیات تطبیقی خصوصاً نوع فرانسوی آن و روش پژوهش‌ش آشنایی داشته‌اند یا نه مسأله‌ای است که در این جا مد نظر من نیست؛ اما مسأله‌ای که مایل به طرح آن هستم اهمیت و اولویت مسأله‌یابی و تسلط به مسأله و پیرامسأله در مقایسه با آگاهی از نظریه‌های ادبیات تطبیقی است. در

* سردبیر، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (ghabool@um.ac.ir)

همین مجله شاهد مقالاتی هستیم که مسأله را از منظر نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی نگریسته است اما در پایان با نتیجه‌ای جدید و یا شامل روبه‌رو نیستیم؛ چراکه نویسنده آن‌چنان که بایسته و شایسته است به مسأله تحقیق و منابع و مراجع مرتبط به آن تسلط نداشته است.

نتیجه‌ای که از طرح این مسأله در پی آن هستیم این است که در نگارش مقالات ادبیات تطبیقی فارسی و عربی هرچند آگاهی از نظریه‌های ادبیات تطبیقی و روش تحلیل و پژوهش آن در دست‌یابی به یک نتیجه و نظریه‌ی نو و علمی راه‌گشا است اما تا پژوهشگر به متون ادبی مورد پژوهش و منابع و مراجع دست اول مرتبط به آن تسلط کافی نداشته باشد نباید در انتظار نگاهی نو، علمی و دارای شمولیت بود.

در این شماره نیز ۵ مقاله را در معرض خوانش و نقد پژوهشگران ادبیات تطبیقی و علاقه‌مندان به این ساحت مطالعات ادبی قرار داده‌ایم: مقاله‌ی «عصیان آدم در تفاسیر عامه و تفاسیر عرفانی تا قرن هفتم» به مقایسه‌ی یکی از موضوعات کهن در مجموعه‌ای از تفاسیر فارسی و عربی پرداخته؛ مقاله‌ی «گریز از سنت در عاشقانه‌های فروغ فرخزاد و سعاد الصباح» دو شاعر زن ایرانی و کویتی را از منظری نو مقایسه کرده؛ مقاله‌های «بررسی نمود گروتسک در مجموعه خیمه‌شب‌بازی چوبک» و «نقد رمان‌های واحه‌ی غروب و عشق در تبعید بهاء طاهر از منظر ترامنتیت» بر اساس دو رویکرد تحلیلی معین نتایج جدیدی را از آثار این دو نویسنده‌ی ایرانی و مصری مطرح کرده و نهایتاً مقاله‌ی «اثر تکنولوجیا الاتصال الحدیثة علی دراسات الأدب المقارن بین الأدبین الفارسی والعرابی» در پی تبیین تأثیرگذاری فناوری‌های نوین در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی فارسی و عربی است.

امیدوارم مجموعه مقالات این شماره نیز ضمن ارائه مباحثی نو بتواند در
آشنایی پژوهشگران ایرانی و جهان عرب با نویسندگان و آثار ادبیات مقابل
تأثیرگذار باشد.